

Contract interpretation criteria in Iranian and Egyptian law

Mohammad Mehryar¹, Seyedah Fatemeh Hashemi²

¹ Assistant Professor, Faculty of Law, University of Religions and Denominations, Qom, Iran
(Corresponding author). m.mehryar@urd.ac.ir

² Assistant Professor, Faculty of Law, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.
sf.hashemi@urd.ac.ir

Abstract

The purpose of the present research is the comparative study of contract interpretation criteria in Iranian and Egyptian laws. In this regard, efforts have been made to review the existing criteria in the interpretation of the contract and to complete the criteria that are not mentioned in the laws of Egypt and Iran. The research method is descriptive-analytical and the results indicate that, firstly, the internal standard in the interpretation of the contract is the interpretation based on the legal result, the subject of the contract and considering the contract as a whole for the interpretation of the contract, which is based on Imami jurisprudence. And the civil rights of Iran and Egypt, there is no difference in this criterion. Secondly, regarding the external criterion of contract interpretation, such as good faith and interpretation to the disadvantage of the contract adjuster, although there are ambiguities in Iranian law regarding the acceptance of these principles, these criteria can be accepted just like Egyptian law.

Keywords: Contract interpretation, Contractual ambiguity, Egyptian law, Iranian law, Imami jurisprudence, Good intention, Civil law.

Cite this article: Mehryar, M. & Hashemi, S.F. (2024). Contract interpretation criteria in Iranian and Egyptian law. *The Doctrine of Private Law in Islamic Countries*, 1(2), p. 95-117.
<https://doi.org/10.22091/dplic.2024.11149.1028>

Received: 2024/03/08 ; **Revised:** 2024/04/26 ; **Accepted:** 2024/06/01 ; **Published online:** 2024/06/22

© The Author(s).

Article type: Research Article

Published by: University of Qom.





معیارهای تفسیر قرارداد در حقوق ایران و مصر

محمد مهریار^۱، سیده فاطمه هاشمی^۲

^۱ استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)، m.mehryar@urd.ac.ir

^۲ استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. sf.hashemi@urd.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر مطالعه تطبیقی معیارهای تفسیر قرارداد در حقوق ایران و مصر است. در این راستا، تلاش شده است تا معیارهای موجود در تفسیر قرارداد و تکمیل معیارهایی که در قوانین مصر و ایران بدان اشاره نشده، بررسی شوند. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که، اولاً، معیار داخلی در تفسیر قرارداد، تفسیر براساس نتیجه قانونی، موضوع قرارداد و در نظر گرفتن قرارداد به عنوان یک کل برای تفسیر قرارداد است که با بهره‌گیری از فقه امامیه و حقوق مدنی ایران و مصر، اختلافی در این معیار وجود ندارد. ثانیاً، در خصوص معیار خارجی تفسیر قرارداد همچون حسن نیت و تفسیر به زیان تنظیم‌کننده قرارداد، اگرچه ابهاماتی در حقوق ایران در خصوص پذیرش این اصول وجود دارد، اما می‌توان همچون حقوق مصر این معیارها را پذیرفت.

کلیدواژه‌ها: تفسیر قرارداد، ابهام قراردادی، حقوق مصر، حقوق ایران، فقه امامیه، حسن نیت، حقوق مدنی.

استاد به این مقاله: مهریار، محمد؛ هاشمی، سیده فاطمه (۱۴۰۳). معیارهای تفسیر قرارداد در حقوق ایران و مصر. *آموزه‌های حقوق*

خصوصی کشورهای اسلامی، ۱(۲)، ص. ۹۵-۱۱۷. <https://doi.org/10.22091/dplic.2024.11149.1028>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲

ناشر: دانشگاه قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

تفسیر در لغت به معنای بیان و آشکار ساختن (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۱۱) و همچنین کشف مراد از الفاظ مشکل آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۵۵). در تفسیر هر موضوعی از دو منبع استفاده می‌شود؛ اول، الفاظ و عباراتی که مستقیماً در متن به کار رفته است و می‌توان از آن به TEXT تعبیر نمود. دوم، شرایط و زمینه‌هایی که بستر به‌کارگیری عبارات مزبور تلقی شده و CONTEXT نامیده می‌شود. از آنجا که ممکن است بین این دو منبع تعارض و اختلاف پیش آید، تفسیر تلاشی است تا از طریق تطبیق بین این دو، معنا و مقصود حقیقی به دست آید (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۶). تفسیر قرارداد در اصطلاح حقوقی عبارت است از تشخیص ماهیت و مفاد طرف‌های قرارداد براساس اراده مشترک انشاءکنندگان آن و مقررات قانونی. منظور از تشخیص ماهیت قرارداد، شناسایی ذات آن و مراد از تشخیص مفاد عقد، آشکار کردن محتوای عقد از حیث موضوع و آثار و چگونگی و زمان و مکان اجرای عقد و مانند این امور است. همچنان که معین کردن طرف‌های قرارداد در صورت مشکوک بودن آن، جزئی از تفسیر قرارداد است (شهیدی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۲).

از آنجا که پایه تفسیر قرارداد کشف اراده طرفین قرارداد است، تفسیر قرارداد با تکمیل قرارداد متمایز می‌شود. بدین معنا که در تکمیل قرارداد، اموری وجود دارد که قابلیت استناد به اراده طرفین را ندارد، مانند حکم قانون به اینکه کالای فروخته شده بدون تقصیر و اهمال پس از تحویل به مشتری تلف شود، خسارت ناشی از تلف به عهده فروشنده است، در صورتی که اگر مبلغ قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود، بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد (عرفانی، ۱۳۸۶، ص ۲۰). تفسیر قرارداد با توصیف قرارداد نیز متفاوت است؛ چراکه توصیف در مسیر اجرای قوانین و تعیین مصداق قوانین تکمیلی قرار می‌گیرد، اما تفسیر قرارداد در جهت کشف قصد طرفین و یا تبیین مفاد قرارداد واقع می‌شود، که اولی از امور حکمی و دومی از امور موضوعی است (قشقای، ۱۳۷۸، ص ۲۷).

در مقام تفسیر قرارداد با دو مبنای متفاوت روبرو هستیم. مبنای نخست آن است که قرارداد قانون طرفین است و قاضی نباید به هیچ عنوان در مفاد و قلمرو آن دخالت کند. این شیوه که ناشی از عقاید فردگرایانه و آزادی اراده است، منجر به ستایش قرارداد می‌گردد. ستایشگران قرارداد نیز دو گروه هستند؛ گروهی که اعتقاد دارند در مقام تفسیر، قصد واقعی طرفین قرارداد را باید احراز کرد. برای احراز قصد واقعی، برخی این اختیار را برای دادگاه قائل هستند که دادگاه به هر وسیله‌ای برای احراز قصد واقعی می‌تواند تمسک کند، و برخی دیگر برای احراز قصد واقعی، تنها به مبرز قصد که سند معاملی است، استناد می‌کنند و دلایل خارجی را در عداد وسائل اثبات قصد واقعی برنمی‌شمارند. در حقوق مصر و فرانسه از شیوه اول و در حقوق آلمان، انگلیس و آمریکا از شیوه دوم پیروی شده است. مبنای دیگری که وجود دارد، آن است که قرارداد پس از وقوع، نهادی اجتماعی بر پایه توافق است. این توافق حیات اجتماعی دارد و در درون اجتماع معنی ویژه خود را می‌دهد و فرض بر آن است که با حسن نیت امضاء

شده است. بنابراین، قاضی در مقام تفسیر قرارداد، باید مبانی ایجاد حق و امتیازاتی که به اشخاص داده شده است را ملاحظه کند و سپس در مقام تفسیر قرارداد برآید (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۲۹۰).

عوامل تفسیر قرارداد، وسائلی است که قاضی به وسیله آن نسبت به رفع ابهام و اجمال یا تناقض قرارداد در جایی که اراده حقیقی طرفین قرارداد روشن نیست، اقدام می‌کند. در جایی که عبارات قرارداد مبهم است و قصد مشترک طرفین به طور واضح و صریح در قرارداد منعکس نشده است، یا بین اراده ظاهری و مندرج در قرارداد، با اراده باطنی مغایرت وجود دارد، محکمه با معیارهای شناخته شده‌ای که برای تفسیر قرارداد وجود دارد، به تجسس در مورد احراز قصد مشترک طرفین می‌پردازد.

عوامل تفسیر قرارداد را می‌توان به دو دسته طبقه‌بندی کرد، عوامل داخلی تفسیر قرارداد که در خود قرارداد و ملحقات آن به کار رفته‌اند، مانند ایجاب و قبول که معمولاً از الفاظ و عبارات به کار رفته در قرارداد استنباط می‌شوند که ظاهر در قصد مشترک طرفین است و در مواردی بعضی از عبارات قرارداد بعضی دیگر را تفسیر می‌کند و قاضی را از توسل به عوامل خارجی بی‌نیاز می‌کند، مانند طبع و نوع قرارداد که علی‌القاعده برحسب اینکه قرارداد از چه نوعی باشد، اقتضانات متفاوتی را خواهد داشت. دسته دوم، ملاک‌های خارجی تفسیر قرارداد هستند که در خود قرارداد نبوده و در خارج از قرارداد هستند و محکمه را در تفسیر موارد مبهم قرارداد یاری می‌دهند (صاحبی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۱). عرف‌های مورد توافق، عرف‌های قابل اجرا به طور نوعی، همچنین توجه به حسن نیت طرفین در انعقاد قرارداد به عنوان عوامل خارجی تفسیر قرارداد به حساب می‌آیند (صفایی، ۱۳۸۷، ص ۳۵).

در ماده ۱۱۸۸ قانون تعهدات جدید فرانسه آمده است: «قرارداد را می‌بایست بر مبنای قصد مشترک طرفین و نه از ترجمه لفظ به لفظ مواد آن تفسیر نمود. زمانی که نیت طرفین مشخص نیست، قرارداد مطابق معنایی تفسیر می‌شود که یک شخص بی‌طرف از قرارداد استنباط می‌کند». همچنین در قانون مدنی سابق فرانسه در ماده ۱۱۵۶، احراز قصد مشترک واقعی طرفین را قانونگذار مدنظر داشت و در صورت تنافی طرفین با یکدیگر، قانونگذار فرانسه قصد واقعی را مقدم می‌شمرد. همین نظر سابقاً نیز در ماده ۱۵۰ قانون مدنی مصر لحاظ شده است.

در این راستا، سوال اصلی پژوهش حاضر آن است که ضوابط داخلی و خارجی در تفسیر قرارداد در حقوق ایران و مصر کدامند؟ و در صورت عدم دستیابی به تفسیر درست، در مقام شک به چه اصولی می‌توان استناد نمود؟

۲. قواعد داخلی تفسیر قرارداد

نویسندگان حقوق مدنی فرانسه در قانون مدنی جدید و سابق، کشف اراده مشترک طرف‌های قرارداد را نخستین وظیفه قاضی در تفسیر قرارداد معرفی کرده و نقش ضوابط دیگر را فرعی به‌شمار آورده‌اند. در حقوق مصر در بند ۱ ماده ۱۵۰ قانون مدنی، چنین بیان شده است: «در صورت روشن بودن قرارداد،

عدول از آن با تفسیر به تشخیص اراده متعاقدين جایز نیست». همچنین در بند ۲ همین ماده آمده است: «در صورت مجال برای تفسیر عقد، باید نیت مشترك طرفین را بدون توقف در معنای لغوی کلمات جستجو کرد؛ ضمن اینکه ماهیت معامله در این مورد راهشگا است و همین طور اعتمادی که طبق عرف جاری در معاملات باید بین طرفین باشد». در حقوق ایران نیز ماده ۲۲۴ قانون مدنی بیان داشته که الفاظ عقود بر معانی عرفیه حمل می‌شود.

۲-۱. تفسیر براساس نتیجه قانونی (تحمل بیش از یک معنا)

هنگامی که عبارت قرارداد تحمل بیش از یک معنا را داشته باشد، عبارت قرارداد حمل بر معنایی می‌شود که دارای اثر قانونی است. همچنین عبارت قرارداد از میان معانی که دارای اثر قانونی است، حمل بر موردی می‌شود که طبیعت عقد، آن را اقتضاء دارد (سنهوری، ۱۹۹۶م، ج ۲، ص ۹۳۹). کلیدواژه ماهیت قرارداد در تفسیر قرارداد همان است که در بند ۲ ماده ۱۵۰ قانون مدنی مصر بیان شده است. مطابق این بند تفسیر قرارداد باید با تمرکز به اراده مشترك متعاقدين با در نظر گرفتن ماهیت قرارداد صورت گیرد. ماهیت قرارداد اثری است که از اراده مشترك طرفین نشأت می‌گیرد. در ماده ۹۲ قانون مدنی مصر نیز در بحث تعبیر از اراده و تفسیر اراده، مجدداً قانونگذار مصری توجه به ماهیت قرارداد را مورد تأکید قرار داده است. همچنانکه در ماده ۱۴۵ این قانون در بحث تسری اثر عقد به وراث متعاقدين، قانونگذار مصری بیان کرده است، در صورتی که از ماهیت معامله چنین برآید که اثر قرارداد قابل تسری به وراث متعاقدين نیست، قرارداد براساس ماهیت قرارداد تفسیر می‌شود.

مبنای اینکه اگر عبارت قرارداد تحمل بیش از یک معنا را داشته باشد، حمل بر معنایی می‌شود که دارای اثر قانونی است، قاعده معروف فقهی است که فقها از آن به «اعمال الکلام خیر من اهماله» تعبیر کرده‌اند. این قاعده که به عنوان ماده ۶۰ قانون مجله الاحکام العدلیة نیز بیان شده است، یک قاعده مبتنی بر بناء عقلا است که مقرر می‌دارد عقلا در محاورات عرفی خود، براساس اعتماد در اقوال و کلام با یکدیگر مواجه می‌شوند و اصل در مواجهه با ایشان، عدم نسیان و سهو و همچنین عدم لغو و هزل است. بنابراین، اگر فرد عاقلی تکلم نماید و شک در آن شد که غفلت و سهوی دارد یا از کلامش اراده مزاح و لغوی کرده است، کلام او حمل بر اراده جدی می‌شود (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۴۲). بنابراین، قاضی با استناد به این قاعده، متعاقدين را از اراده عبث منزّه می‌دارد. به طور مثال اگر شخصی مال قابل استهلاکی مانند غذا را به دیگری عاریه نماید و توافق بر رد مثل آن کنند، از آنجا که از شرایط مال مورد عاریه بقای اصل آن است، قاضی باید کلام آنها را حمل بر قصد قرض کند، تا کلام ایشان از اهمال خارج شود (سراج، ۱۹۹۸م، ص ۲۳۹).

اگر عبارت قرارداد قابلیت معنایی متفاوتی داشت، حمل بر معنایی می‌گردد که دارای اثر قانونی است. اما اگر عبارت قرارداد، تنها قابلیت یک معنا را داشته باشد که آن نیز دارای اثر قانونی نباشد و مشخص شود

نیت متعاقدين بر همان معنا تعلق گرفته است، قاضی نمی‌تواند از نیت مشترک طرفین دست برداشته و تصحیح عقد را حکم نماید. چراکه در این صورت این عقدی خواهد بود که قاضی آن را ساخته است و نه قراردادی که طرفین آن را منعقد نموده‌اند. بنابراین، قاضی در این صورت مجاز به تجاوز از نیت مشترک طرفین نیست. به طور مثال اگر در متن قرارداد آمده باشد که قرارداد واقع شده، عقد اجاره موبد است، قاضی با در نظر گرفتن معنای ظاهری عبارت، باید حکم به بطلان عقد واقع شده نماید؛ زیرا عقد اجاره باید مدت‌دار باشد. اما قاضی می‌تواند تصحیح عقد نموده و چنین اعتبار کند که طرفین قرارداد اراده بیع را نموده‌اند. قاضی باید ابتدا نیت طرفین را مورد کنکاش قرار دهد و اگر در عبارات طرفین قرارداد معنایی را یافت نمود که قابلیت حمل قرارداد را بر معنای بیع داشته باشد، قرارداد را به این معنا حمل نماید. چراکه حمل نمودن بر معنای اخیر، عقد را دارای اثر قانونی می‌نماید. اما اگر در عبارات طرفین قابلیت حمل بر معنای بیع وجود نداشته باشد و برای قاضی احراز شود که طرفین قصد اجاره داشته‌اند، قرارداد را باید طبق اراده ایشان تفسیر نموده و حکم به بطلان قرارداد نماید (سنه‌وری، ۱۹۹۶م، ج ۲، ص ۹۴۰).

اگرچه در حقوق ایران صراحتی بر تفسیر قرارداد براساس نتیجه مترتب بر قرارداد وجود ندارد، اما می‌توان با استناد به ماده ۱۹۱ قانون مدنی که عقد را با قصد انشاء، مقرون به چیزی که دلالت بر آن کند، محقق دانسته است و در نظر گرفتن اصیل بودن قصد و مبرز خارجی (شهیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲)، به این نتیجه دست یافت که قصد و اراده باطنی طرفین در فضای معاملی به غرضی که همانا نتیجه عقد است، ابراز شده است. قصد و اراده بدون تحقق خارجی و اثربخشی در عالم واقع، موجب لغویت ابراز اراده می‌شود. لذا، در جایی که دادرس ناگزیر به تفسیر قرارداد است، اثری که از قصد می‌بایستی محقق شود را باید در نظر بگیرد و براساس نتیجه قصد متعاقدين آن را تفسیر نماید. از همین‌رو است که مطابق نظر برخی از حقوقدانان، آن ماده ۲۲۴ قانون مدنی که عقود را محمول بر معنای عرفی دانسته است، نسبت به الفاظی که مستقیم و غیرمستقیم در عقد بیان شده است، جاری می‌شود و تعهدات و شروطی که جنبه تبعی در عقود وجود دارد نیز به طریق اولی شامل این ماده می‌گردد (امامی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۳۲). قضاوت عرفی در تفسیر قرارداد بسته به عوامل مختلفی است که یکی از آنها نتیجه مورد توافق طرفین و اثری که محصول اراده متعاقدين است، می‌باشد.

۲-۲. تفسیر براساس منطق حقوقی قرارداد (وجود عبارت عام و مطلق)

تفسیر قرارداد مطابق نیت مشترک طرفین قرارداد صورت می‌گیرد. برای درک و کشف اراده طرفین قرارداد، ناگزیر از در نظر گرفتن الفاظ قرارداد هستیم. در صورتی که استفاده از الفاظ قرارداد به گونه‌ای باشد که بعضی از قرارداد بعضی دیگر آن را تفسیر کند، برای تفسیر قرارداد باید به الفاظ به‌کار رفته در قرارداد دقت کرده و بر اساس آن قرارداد را تفسیر نمود. این قرائن درون‌متنی قرارداد، قاضی را ناگزیر از استفاده از قواعد عام تفسیر متن می‌نماید (شوقی، ۲۰۰۶م، ص ۴۲۱). در ماده ۶۴ قانون مجله الاحکام

الشرعیه بیان شده بود که مطلق بر اطلاق خود باقی است، تا زمانی که دلیلی بر تقیید آن به موجب نص یا دلالت وارد نشود. اگرچه در قانون مصر تصریحی به اعمال قواعدی همچون عام و خاص نشده است، اما حقوقدانان مصری برای کشف از اراده متعاقدين، به اصول لفظی اطلاق و تقیید و امثال آن پایبند هستند (محمود سعد، ۱۹۹۰م، ص ۶۵۸). همسو با این نظر حقوقدانان ایرانی در تفسیر ماده ۲۲۴ قانون مدنی که در خصوص حمل الفاظ عقود بر معانی عرفی است، استفاده از مباحث الفاظ مذکور در اصول فقه را برای به دست آوردن غرض قرارداد بیان نموده‌اند (امامی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۰). اساساً تفسیر واقع‌بینانه از قرارداد نه تنها دقت در الفاظ عقود، بلکه منوط به در نظر گرفتن همزمان قرارداد و تاریخچه آن نیز است. شروط و قیودی که در مرحله گفتگوهای مقدماتی ذکر می‌شود و در متن قرارداد مجدداً ذکر نمی‌گردد نیز در تفسیر ما از قرارداد موثر است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۸).

منطق حقوقی اقتضاء دارد در صورتی که عبارت وارد شده در قرارداد، لفظ عامی باشد، لفظ عام به وسیله موضوعی که به توافق طرفین رسیده است، محدود می‌شود؛ چراکه در حقیقت متعاقدين بر موضوع خاص توافق نموده‌اند و معقول نیست عبارات قرارداد را به گونه‌ای تفسیر نماییم که از موضوع خاص مورد توافق خارج شود. به طور مثال در جایی که پدری همه دارایی خود را به فرزندانش صلح نموده باشد، به شرط آنکه اختیار تصرف در طول حیات خود را در آن اموال داشته باشد و شک کنیم که اختیار تصرف در اموال شامل تصرفات حقوقی نیز می‌شود، و بنابراین پدر حق فسخ صلح را خواهد داشت یا خیر؛ با توجه به ماهیت قرارداد صلح، اختیار تصرف در اموال را تنها شامل تصرفات مادی در نظر می‌گیریم (خامنه‌ای، ۱۴۲۴ق، ص ۴۲۷).

تفسیر قرارداد براساس موضوع مورد توافق در جایی که تعارض خاص و عام در عبارات قرارداد باشد، نیز مطرح است. از آنجا که قرارداد به عنوان یک کل واحد در نظر گرفته می‌شود، ذکر خاص بعد از عام را باید به عنوان قرینه متّصله به حساب آوریم و از باب قرینه بودن خاص برای عام، یا از باب قوت ظهور خاص بر عام، قائل به تقدم خاص بر عام شویم (روحانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۴۳۴). همچنین در جایی که تعارض میان عبارات قرارداد، تعارض میان مطلق و مقید باشد، باید با در نظر گرفتن واحد بودن قرارداد و نگاه یک‌جانبه به آن، حکم قضیه را یافت (حکیم، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۴۵). در هر صورت، در فرضی که مطلق و مقید در عبارت قرارداد هر دو یک مضمون را داشته باشند، با توجه به قرینه بودن مقید بر مطلق، باید حکم به تقیید عبارت قراردادی نمود. اما در صورتی که اختلاف مطلق و مقید از جهت نفی و اثبات باشد، مقید مقدم شده و مطلق را بر آن حمل می‌کنیم.

به طور مثال در عقد عاریه، اگر عاریه به جهت منفعت یا منفعت‌های خاصی از میان منافع آن باشد، عاریه‌دهنده لازم تا متعرض جهت خاص عاریه شود و در این صورت استفاده عاریه گیرنده، اختصاص به مورد خاص خواهد شد. اما در صورتی که عبارت عقد عاریه عمومیت داشته باشد، استفاده در هر قسمی جایز است (خمینی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۲۵). همین وضعیت در خصوص وکالت به صورت مطلق نیز

مطرح شده است. در صورتی که وکالت به صورت مطلق داده شود، مطابق ۶۶۱ قانون مدنی، وکیل می‌تواند امور مربوط به اداره اموال موکل را تصدی نماید و اگر وکالت مقید باشد، وکیل نمی‌تواند در غیر امور محوله، عملی را انجام دهد (امامی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۲۰).

در زمینه قراردادهای تجاری بین‌المللی، یکی از مواردی که از قاعده «مجموعه واحد بودن قرارداد» استثناء شده است، موردی است که میان دو عبارت قرارداد، تعارض باشد که یکی از آن دو در مورد خاص وارد شده باشد و دیگری مقررات کلی‌تری را بیان کند که در این حالت، مورد خاص را بر عام مقدم می‌کنند (قشقایی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۹). نمونه توضیحی برای مفاد این گفتار در جایی است که «الف» که گیرنده پروانه از «ب» (یعنی دهنده پروانه) است، مطلع می‌شود که با وجود مقررهای در قراردادشان که در آن به «الف» پروانه انحصاری اعطا شده، «ب» قرارداد مشابهی را با «ج» (یکی از رقبای «الف») منعقد کرده است. «الف» نامه‌ای به «ب» می‌فرستد و در آن از نقض قرارداد از سوی «ب» گله می‌کند. در انتهای نامه، این عبارت درج شده است: «رفتار شما به روشنی نشان داده که اتکای بر صداقت حرفه‌ای شما اشتباه بوده است. پس بدین وسیله قراردادی را که با شما منعقد کرده بودیم را ابطال می‌نمایم». در این حالت با وجود استفاده از اصطلاح ابطال، عبارت به کار رفته از سوی «الف» باید در پرتو کلیت نامه مزبور، به منزله خطاری بر خاتمه دادن به قرارداد تفسیر شود (اخلاقی و امام، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳).

۳-۲. تفسیر قرارداد با قرارداد (قرارداد به‌مثابه یک واحد)

قرارداد شریعت و قانون متعاقدين است. ماده ۱۴۷ قانون مدنی مصر بدین قاعده اشاره دارد. یکی از قواعدی که در تفسیر قرارداد بدان اشاره شده است، تفسیر قرارداد با خود قرارداد است. اساساً قرارداد تبلور اراده متعاقدين بوده و در صورت ابهام در قرارداد، تفسیر قرارداد باید براساس قرارداد صورت گیرد. اگرچه در حقوق ایران قانونگذار ماده خاصی را بدان اختصاص نداده است، اما با توجه به اینکه قرارداد مظهر اراده طرفین است و برای کشف اراده طرفین به قرارداد باید نگرسته شود، مجموع قرارداد به عنوان یک کل در نظر گرفته می‌شود و با مدنظر قرار دادن صدر و ذیل قرارداد، مذاکرات پیش از قرارداد، وحدت سیاق قرارداد و مواردی از این دست، تفسیر قرارداد صورت می‌گیرد. بنابراین، در صورت تعارض میان مفاد، شروط و بندهای قرارداد، آن را به عنوان یک کل در نظر گرفته و قاضی به تفسیر آن دست خواهد زد.

تفسیر قرارداد براساس قرارداد را می‌توان از قاعده انحلال عقد واحد به عقود متعدد نیز استفاده نمود. اگرچه فقیهان و حقوقدانان بدین قاعده برای مورد دیگری غیر از تفسیر قرارداد استفاده نموده‌اند، اما به نظر با توضیح پیش‌رو از این قاعده برای تفسیر عقود نیز می‌توان استفاده کرد.

مبنای این قاعده سابقاً در قانون مدنی دولت عثمانی یعنی مجلة الاحکام العدلیة که خود اثرگذار در قوانین مدنی کشورهای اسلامی بوده است، بیان شده است. به طور مثال قاعده «اعمال الکلام اولی من اهماله» که به معنای آن است که به‌کارگیری کلمات بهتر از نادیده انگاشتن آن است، به عنوان یکی از

مبانی تفسیر قرارداد با قرارداد به کار رفته است. این قاعده عرفی که مبتنی بر بناات عقلانی مانند اصل عدم خطا، اصل عدم نسیان، اصل عدم لغویت و اصل جد در معاملات است، بدان معنا است که اگر فرد عاقل معامله نمود و گمان آن بود که سهل انگاری کرده یا قصد جدی ندارد، نباید به این چنین شکی اعتناء نمود و نیت را جدی فرض کرد. مقصود از اهمال کلام و نادیده انگاشتن آن بدان معنا است که الفاظ عقد را حمل بر لغو و سهو کنیم، که همانطور که بیان شد این با اصول عقلی سازگاری ندارد (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۱۷۳).

یکی از مصادیقی که برخی برای این قاعده و تفسیر قرارداد با قرارداد ذکر کرده‌اند، توجه به ماهیت قرارداد است. به عنوان مثال در صورتی که قرارداد قابلیت تجزیه نداشته باشد، به ناچار باید تفسیر قرارداد را نسبت به کل قرارداد تسری دهیم. در شفعه هنگامی که شفیع بعضی از حقوق خود را اسقاط کند، این به منزله اسقاط کل حق شفعه است. چرا که حق شفعه قابلیت تجزیه نداشته و نسبت به کل شفعه تسری پیدا می‌کند (مصطفی، ۱۹۴۳م، ص ۷).

یکی دیگر از قواعدی که برخی از آن تحت یک قاعده فقهی مستقل یاد نموده‌اند، قاعده انحلال عقد واحد به عقود متعدد است. مراد ایشان از انحلال در این قاعده، انحلال در موضوع معامله نبوده، بلکه انحلال در حکم است. به این معنا که عقد واحد در حکم عقود متعدد به نسبت احکامی که بر آنها بار می‌شود، است. همچنین انحلال عقد، به عقود متعدد از جنس همان عقد در نظر گرفته می‌شود، و نه از غیر جنس آن. پس به طور مثال عقد بیع به منزله عقود بیع خواهد بود و نه بیع و اجاره. همچنان که اعتبار انحلال تا جایی است که بتوان عقد مستقلی را در نظر گرفت. به این معنا که عقد بیع در صورتی که عقود بیع قابل انحلال است که اجزاء مبیع قابلیت انفراد در بیع را داشته باشد (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۷۰). حسب استقراء صورت گرفته در کلمات فقیهان امامیه می‌توان این قاعده را پذیرفت. فقیهان در باب تبعض صنفه در بیع، قائل به انحلال عقد به عقود متعدد هستند (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۳۸۵). همچنین در رهن نیز تبعض در صنفه را پذیرفته‌اند (محقق حلّی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۶۷). در بحث فروش درهم و دینار اگر بعضی از جنس تعیین شده و برخی از غیر آن جنس باشد، به عنوان نظیر بحث تبعض صنفه مطرح کرده و قائل به انحلال عقد شده‌اند (بحرانی، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۳۱۴). در زمینه اقاله بعض مورد معامله نیز قائل به انحلال گشته‌اند (یزدی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۳).

در هر صورت برای انحلال عقد واحد به عقود متعدد در کلمات ایشان، رجوع به قصد متعاملین ضروری است. به طور مثال در فروش اراضی مختلف به ثمن واحد بیان داشته‌اند که اگر قصد مجموع اراضی در مقابل مجموع ثمن شده باشد، نمی‌توان قائل به انحلال شد، اما اگر قصد متعاملین توزیع ثمن در مقابل مبیع باشد، می‌توان به انحلال عقد واحد به عقود متعدد قائل شد. به عبارت دیگر، فقیهان مشکلی با اصل انحلال عقد به عقود متعدد از ناحیه ثبوتی نداشته، اما در ناحیه اثباتی، قصد متعاملین را مد نظر قرار می‌دهند. از همین رو است که دیده می‌شود اگرچه انشاء را امر بسیطی دانسته‌اند، اما در

صورت تعدد منشاء، اشکالی را از حیث انحلال انشاء به انشائات متعدد به حساب تعدد منشائات وارد ندانسته‌اند (یزدی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۸۳). به طور مثال در خصوص کالایی که قابلیت انحلال نداشته باشد، مانند حیوان که قسمتی از آن در مقابل قسمتی از ثمن قرار نمی‌گیرد، بلکه حیوان به عنوان کل کالا در مقابل کل ثمن قرار می‌گیرد، این عده از فقیهان قاعده انحلال را جاری نکرده‌اند (آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۵۹)؛ اما در اغلب عقود و معاملات، حتی اگر جزء معامله مشاعی باشد، قائل به انحلال عقد به عقود متعدد شده‌اند (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۶۰). همین مسأله نشانگر آن است که ایشان در تفسیر عقد، به نفس عقد مراجعه می‌کنند و برای حل مشکلات و ابهامات عقد، ماهیت عقد را مدنظر قرار می‌دهند.

حال اگر قصد متعاقدين مبني بر انحلال معلوم نباشد، با توجه به پذیرش کبری انحلال عقد واحد به عقود متعدد نزد ایشان در مصادیق، باید به عرف مراجعه نماییم (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۵۳). حتی در برخی صور مانند فروش همه صاعها به مقدار مشخص، تقسیط عرفی میان ثمن و مبیع در نظر گرفته می‌شود؛ حتی اگر بیع را منحل به بیوع متعدد در نظر بگیریم. به این معنا که مقابله عرفی میان ثمن و مثن در جایی که هر دو مشخص باشند، صورت می‌گیرد و نه انحلال عقد واحد به عقود متعدد (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۴۰۰).

در حقوق نیز این قاعده توسط حقوق‌دانان شناخته شده است، به گونه‌ای که هرگاه طرفین عقد بیش از دو نفر یا مورد آن متعدد و یا قابل تجزیه باشد، به طوری که هر قسمتی از آن را بتوان مستقلاً تقویم نمود، عقد موزر را قابل انحلال به عقود متعدده دانسته‌اند (امامی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۱۰). پذیرش قاعده کلی انحلال عقد واحد به عقود متعدد نشانگر آن است که می‌توان برای تفسیر قرارداد به نفس قرارداد مراجعه نمود و ماهیت قرارداد، در تفسیر ما از آن تاثیرگذار است. لذا، در جایی که ماهیت قرارداد قابل تجزیه نباشد و بنابر مبنای انحلال قرارداد به قراردادهای متعدد، ایشان قرارداد را به مثابه واحد و یک کل در نظر گرفته‌اند و نزد ایشان امکان ندارد آثاری که بر تفسیر یک قسمت از قرارداد جاری است، متفاوت با اثری که نسبت به کل قرارداد است، در نظر گرفته شود.

۳. قواعد خارجی تفسیر قرارداد

مراد از قواعد خارجی در تفسیر قرارداد، معیارهایی است که از داخل متن قرارداد قابل اصطیاد و استفاده نبوده و به عنوان راهکار ثانونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این قواعد که راهگشا در زمینه تفسیر قرارداد است، به اراده طرفین قرارداد و کشف این اراده توجهی نداشته و صرفاً برای ارائه راهکار قضایی در صورت شک در تفسیر قرارداد مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

۳-۱. اصل حسن نیت

تلاش برای تعیین یک تعریف خاص برای اصل حسن نیت آن‌طور که برخی تصور می‌کنند، آسان نیست؛ زیرا اصل حسن نیت به عنوان اصلی اخلاقی در قانون بیان شده است. حسن نیت عبارت است از

رفتار صادقانه، درست و شرافتمندانه با دیگران، به گونه‌ای که اعمال حق را در چارچوب هدف سودمند و عادلانه‌ای که برای آن ایجاد شده و تعهد همگان را حفظ کند (بدوی، ۱۳۶۸، ص ۷۷). بر این اساس که ضابطه تعیین صداقت و رفتار صحیح ضابطه مشخصی نیست، دو رویکرد در اصل حسن نیت در میان حقوقدانان به وجود آمده است: معیار حسن نیت شخصی و معیار حسن نیت نوعی. منظور از حسن نیت شخصی، جهل به واقعیت در جایی است که مبنای اثر حقوقی باشد. از این رو سوءنیت عبارت خواهد بود از تصدیق یقین علم به واقع یا تصدیق امکان یا توانایی علم به واقع. بدین جهت مبنای حسن و سوءنیت، وصف داشتن جهل به واقع یا علم به واقع است (عوجی، ۲۰۰۷م، ج ۱، ص ۱۹۵)؛ اما حسن نیت نوعی به رفتار و نوع عملکرد آن می‌نگرد و براساس معیارهای وفاداری، صداقت و امانت‌داری رفتار متعارف در واقعه خاص را لحاظ کرده و براساس آن به قضاوت در خصوص حسن یا سوءنیت می‌پردازد. همین مبنا مورد تایید قانونگذار مصری در ماده ۱۵۰ قانون مدنی قرار گرفته است (عامر، ۱۹۴۹م، ص ۴۹). در بسیاری از مواد قانون مدنی مصر به اصل حسن نیت اشاره شده است. در ماده ۱۴۸ قانون مدنی مصر بیان شده است: «قرارداد باید براساس مفاد آن و به نحوی که حسن نیت ایجاب می‌کند، اجرا شود». مطابق قانون مدنی مصر، اصل حسن نیت تنها در مرحله اجرا و در مرحله انعقاد قرارداد معتبر در نظر گرفته شده است. در ماده ۹۶۵، ۹۶۹، ۹۷۶، ۹۸۳ قانون مدنی مصر به این اصل اشاره شده است. همچنانکه همین مبنا در خصوص ماهیت اشتباه در قرارداد در ماده ۱۲۱ قانون مدنی مصر بیان شده است که اشتباه زمانی اساسی محسوب می‌شود که صفت خاصی به عنوان صفت جوهری و اساسی نزد متعاقدین محسوب شود، یا باید به دلیل شرایط پیرامون قرارداد و آنچه که باید در معامله انجام شود، صفت چنین تلقی می‌گردد».

اصل حسن نیت به عنوان یکی از ضوابط مهم خارج از قرارداد در تفسیر قرارداد مطرح شده است. پذیرش اصل حسن نیت در حقوق ایران مورد اختلاف است. بسیاری از حقوقدانان با پذیرش کلی اصل حسن نیت در حقوق ایران (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص ۳۶۵؛ امیری قائم مقامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۵۲؛ صقری، ۱۴۰۱، ص ۱۴۸؛ کاویانی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۹) مستندات مختلفی را برای اثبات ادعایشان مطرح نموده‌اند. از جمله مهم‌ترین مستندات، اصل چهلم قانون اساسی است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ص ۱۸) که اشعار می‌دارد: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». در واقع این اصل در بیان سوءاستفاده از حق است، و نه حسن نیت؛ اما سوءنیت روی دیگر حسن نیت است (ره‌پیک، ۱۳۸۲، ص ۶۸). در قانون مدنی نیز مطابق نظر برخی، از مواد ۲۲۰ و ۲۲۵ می‌توان استفاده حسن نیت را نمود (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۹). برخی دیگر اصل حسن نیت را علاوه بر ماده مذکور، از دیگر مواد قانونی، از جمله موادی که بر حاکمیت عرف در تفسیر قرارداد تاکید دارد، مانند مواد ۲۲۴، ۲۲۱، ۲۲۵، ۶۶۷، ۶۸۰، ۲۱۹ و ۹۷۵ قانون مدنی و ۳۶۳، ۳۷۰، ۳۹۶ و ۳۹۷ قانون تجارت، مواد ۱۰۹، ۱۳۳ و ۱۳۶ آیین دادرسی مدنی و مواد ۱۲ و ۱۳ قانون بیمه ایران مصوب

۱۳۱۶ که در خصوص نقض حسن نیت، مقنن اجازه فسخ را به بیمه‌گر داده است، استنباط می‌کنند (شهیدی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۵؛ محسنی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۰؛ قاسمی حامد، ۱۳۷۵، ص ۵).

اگرچه برخی در مقابل، اصل حسن نیت در حقوق ایران را یا به صورت مطلق نپذیرفته‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۵؛ عدل، ۱۳۷۸، ص ۱۳۳)، و یا در برخی به صورت موردی پذیرفته‌اند (اصغری آقمشهدی و ابونی، ۱۳۸۹، ص ۱۱؛ ابراهیمی، ۱۳۸۸، ص ۹۰).

حسن نیت در مرحله مذاکره قرارداد و در مرحله انعقاد قرارداد و در مرحله اجرای قرارداد در قوانین کشورهای عربی همچون مصر وجود دارد. عدم وجود حسن نیت در مراحل مختلف قرارداد در قوانین این کشورها موجب ایجاد غرر، کشف عیب و ضررهایی است که منجر به بطلان یا فسخ قرارداد می‌شود. از این رو ضمانت اجرای عدم وجود حسن نیت در این کشورها ممکن است منجر به بطلان، فسخ یا حتی مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد شود (خیره، ۲۰۲۳، ص ۵۸۹). برای ارزیابی التزام به حسن نیت در حقوق کشورهای عربی این اختیار به قاضی پرونده داده شده است تا سلوک متعاقبین براساس حسن نیت مورد بررسی قرار گیرد و حکم متناسب براساس آن انشاء شود (عزیز سلیمان و عثمان علی، ۲۰۲۱، ص ۴۳). بر همین اساس است که در ماده ۲۲۵ قانون مدنی مصر آمده است اگر خسارت در قرارداد از ارزش غرامت توافق شده بیشتر باشد، طلبکار نمی‌تواند بیش از این مقدار مطالبه کند، مگر اینکه ثابت کند بددهکار مرتکب تقلب یا اشتباه فاحشی شده است. همچنانکه نقش قاضی در تعیین تکلیف و تفسیر قرارداد در ماده ۱۴۷ قانون مدنی مصر به صراحت بیان شده است. مطابق این ماده قاضی می‌تواند بسته به شرایط و پس از ایجاد تعادل بین منافع دو طرف، تعهدات سنگین قراردادی را تا حد معقول کاهش دهد. یکی از ارزیابی‌های قاضی نسبت به تفسیر قرارداد مبتنی بر اصول خارج از قرارداد همچون اصل حسن نیت است که در قوانین مصر مورد پذیرش قرار گرفته است (انور فتح الباب، ۲۰۲۲، ص ۱۹۹).

۲-۳. اصل تفسیر به زیان تنظیم‌کننده قرارداد

اصل تقدم تفسیر به زیان تنظیم‌کننده قرارداد^۱ بدین معناست که هرگاه یکی از طرفین قرارداد شروطی از آن و یا کل قرارداد را طرح‌ریزی، تهیه و مرقوم نموده باشد، اگر ابهامی در مفهوم شروط و یا کل قرارداد پیش آید، تفسیری که به زیان تنظیم‌کننده شرط یا قرارداد است، مقدم می‌باشد (Posner, 2004, p. 35). منظور از تنظیم‌کننده قرارداد، گاه به معنای کسی است که قرارداد یا شروط آن را ایجاد و تهیه کرده است و گاه نیز کسی است که ترغیب‌کننده و القاء‌کننده شرط بوده، هرچند که تهیه و تنظیم‌کننده اصلی قرارداد طرف مقابل بوده است (Treitel, 1999, p. 202). این اصل در قراردادهای الحاقی همچون بیمه قابل جریان است (یزدانیان و آرای، ۱۳۹۵، ص ۱۴۳). اصل مذکور به عنوان آخرین راه‌حل و راهکار تفسیر خارج از قرارداد می‌باشد و تنها در جایی کاربرد دارد که با استفاده از ادله دیگر نتوان ابهام موجود در

قرارداد را رفع نمود (سنه‌وری، ۱۳۸۲، ص ۴۴۴).

حقوق داخلی و رویه قضایی بسیاری از کشورهای عربی این اصل را پذیرفته‌اند. از جمله می‌توان به ماده ۱۱۲ قانون مدنی الجزایر، ماده ۱۹۰ قانون مدنی کویت، ماده ۲۲۰ قانون مدنی اردن و ماده ۱۵۱ قانون مدنی مصر اشاره نمود.

اصل ترجیح تفسیر به زیان تنظیم‌کننده، به صراحت در فقه و حقوق ایران پذیرفته نشده است؛ ولی برخی حقوقدانان معتقدند با استقراء در قوانین و استناد به اصول و قواعد کلی حقوقی، نمی‌توان جریان اصل مزبور را انکار کرد (شعاریان و ترابی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۲۶). از موادی چون ۱۲۹۹ (بند ۲)، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ قانون مدنی (قشقای، ۱۳۷۸، ص ۲۲۳؛ حبیبی، ۱۳۹۲، ص ۳۲۴)، ماده ۶ قانون پیش‌فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۲، ماده ۵۲ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ و ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کننده مصوب ۱۳۸۸ می‌توان این اصل را استنباط کرد (اسلامی و قنواتی، ۱۳۸۹، ص ۴۰). ادله‌ای چون مطابق اصل عقلانی بودن، عدم مخالفت صریح با قانون ایران، نظم عمومی و اخلاق حسنه و فقه امامیه (حاتمی، ۱۳۸۷، ص ۸۵)، هم‌راستا بودن با قواعد اقدام، تحذیر، تدلیس و تسبیب (اسلامی و قنواتی، ۱۳۸۹، ص ۳۶)، سازگاری با عدالت و انصاف (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۰۷) در تایید این اصل آمده است.

در عقود مغایه‌ای که مستلزم برابری طرفین در قرارداد است، برای تفسیر قرارداد، قاضی ممکن است در صورت عدم احراز اراده طرفین و برای حل شک در مصلحت مدیون، به قاعده تفسیر به نفع طرف ضعیف قرارداد و به طور خاص تفسیر به زیان تنظیم‌کننده قرارداد روی آورد. اما در خصوص عقود الحاقی که تساوی طرفین در قرارداد وجود ندارد و یک طرف قرارداد ناگزیر از پذیرش شرایط تحمیلی به خود است، برای اعمال شک برای مصلحت مدیون، جریان قاعده تفسیر به زیان تنظیم‌کننده قرارداد، با عدالت بیشتری همگام است و می‌توان بدان استناد نمود (بن‌عمار، ۲۰۱۴م، ص ۱۵۲). در قانون مدنی مصر بدین قاعده نیز اشاره شده است. در ماده ۱۵۱ این قانون چنین آمده است: «(۱) شک به مصلحت مدیون تفسیر می‌شود. (۲) با این وجود، تفسیر عبارات مبهم در قراردادهای الحاقی نباید به ضرر طرف متعاقد باشد». حقوقدانان مصری به خصوص در مورد عقد بیمه که نوعی عدم تعادل بین طرفین قرارداد وجود دارد، این قاعده را به عنوان تبلوری از قواعد عام عدالت در نظر گرفته و قائل به تفسیر شرایط خودسرانه قرارداد به نفع طرف ضعیف قرارداد شده‌اند (سنه‌وری، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۲۹۳). بنابراین، به عنوان یکی از قواعد عام تفسیر قرارداد که از خارج قرارداد به قرارداد تحمیل می‌شود، می‌توان در حقوق مدنی ایران و مصر به قاعده تفسیر به زیان تنظیم‌کننده قرارداد یا تفسیر به مصلحت بدهکار به عنوان اصل کلی اشاره نمود.

۴. نتیجه‌گیری

کشف اراده طرفین برای ابهام‌زدایی از قرارداد، به عنوان اصل اولی برای تفسیر قرارداد شناخته می‌شود.

اگرچه این اصل به وضوح اراده را معیار تفسیر قرارداد قرار می‌دهد، اما برای کشف اراده طرفین قرارداد، قاضی ناگزیر از دستیابی به معیارهایی برای شفافیت‌بخشی به آن است. این اصل با در نظر گرفتن ماهیت قرارداد و کنکاش در جهت نتیجه حاصل از قرارداد در نظر طرفین، و همچنین بهره‌گیری از در نظر گرفتن قرارداد به عنوان یک ساختار واحد، ابهام‌زایی می‌شود. براساس این معیارها، کشف اراده طرفین قرارداد به سهولت بیشتری در صورت اختلاف برای قاضی احراز می‌شود. حقوقدانان ایرانی با بهره‌گیری از ردپای تفسیر قرارداد در فقه امامیه و حقوقدانان مصری با بهره‌گیری از قوانین مقتبس، معیارهای عینی را در جهت کشف اراده طرفین قرارداد بیان نموده‌اند. هنگامی که کشف اراده طرفین قرارداد از متن قرارداد امکان‌پذیر نبود، ناگزیر به اعمال قواعدی هستیم که به عنوان اصل عملی در هنگام شک در تفسیر قرارداد به کار بسته شود. این قواعد عبارتند از: اعمال اصل حسن نیت و قاعده تفسیر به زیان تنظیم‌کننده قرارداد. اصل حسن نیت در قانون مدنی مصر به صراحت بیان شده و حقوق‌دانان مصری این قاعده را به عنوان یکی از اصول تفسیری خارج از قرارداد مورد پذیرش قرار داده‌اند و برخی از مواد قانونی را نیز منطبق با این اصل تفسیر نموده‌اند. اما پذیرش اصل حسن نیت در حقوق ایران با اختلافاتی همراه است. برخی قائل به پذیرش این اصل و برخی قائل به عدم پذیرش آن در حقوق ایران هستند. با توجه به دو معیار شخصی و نوعی در اصل حسن نیت، به نظر می‌رسد رد پای ضمانت اجرای جهل به واقع و رفتار صادقانه، هر دو در قانون ایران وجود دارد و ضمانت اجرای بطلان، فسخ و مسئولیت قراردادی و خارج از قراردادی همچون قانون مصر، در قانون ایران نیز وجود داشته باشد. از سوی دیگر، قاعده تفسیر به زیان تنظیم‌کننده قرارداد در قانون مدنی مصر به صراحت بیان شده است و حقوقدانان مصری نیز با بهره‌گیری از این قاعده در قراردادهایی مانند قراردادهای الحاقی، از این قاعده به عنوان قواعد خارجی تفسیر قرارداد بهره‌جسته‌اند. اگرچه در برخی قوانین ایران این قاعده آمده، اما به عنوان قاعده کلی این قاعده مورد پذیرش قرار نگرفته است. با اینکه می‌توان با توجه به مبنای این قاعده، در تفسیر قرارداد نیز در حقوق ایران از آن بهره‌جست.

منابع

قرآن کریم.

- آملی، محمدتقی (۱۳۸۰). *المکاسب و البیع*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱. ابراهیمی، یحیی (۱۳۸۸). *مطالعه مفهوم و آثار حسن نیت. حقوقی بین‌المللی*، ۲۶ (۴۱).
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم، ج ۵. اخلاقی، بهروز؛ امام، فرهاد (۱۳۸۵). *اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم.
- اسلامی، سید محمدهادی؛ فنوانی، جلیل (۱۳۸۹). *ترجیح تفسیر علیه تنظیم‌کننده قرارداد. حقوق تطبیقی*، ۱۵ (۱). اصغری آق‌مشهدی، فخرالدین؛ ابوبی، حمیدرضا (۱۳۸۹). *حسن نیت در اجرای قرارداد در حقوق انگلیس و ایران. مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۰ (۲).
- امامی، سید حسن (۱۳۸۶). *حقوق مدنی*. تهران: نشر اسلامی، ج ۲-۱. امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۸۵). *حقوق تعهدات*. تهران: انتشارات میزان، ج ۱، چاپ سوم.
- انور فتح‌الباب، محمد ربیع (۲۰۲۲م). *أثر مبدأ حسن النية في إنهاء عقود المدة (دراسة تحليلية مقارنة)*. *القانونية*، العدد ۱. بجنوردی، محمدحسن (۱۳۷۷). *القواعد الفقهية*. قم: نشر الهادی، ج ۳.
- بحرانی، یوسف (۱۳۷۹). *الحداث الناضرة في أحكام العترة الطاهرة*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۹. بدوی، سید (۱۳۶۸). *حول نظرية عامة لمبدأ حسن النية في المعاملات المدنية*. قاهره: جامعه قاهره.
- بن‌عمار، مقنی (۲۰۱۴م). *قاعدة تفسیر الشك لمصلحة المذعن. المجلة الجزائرية للقانون المقارن*، العدد ۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۵). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.
- حاتمی، حسن (۱۳۸۷). *قاعده تقدم تفسیر به زبان متعهد له و یا تنظیم‌کننده قرارداد. نامه مفید*، ۱۴ (۷۰). حبیبی، محمود (۱۳۹۲). *تفسیر قراردادهای تجاری بین‌المللی*. تهران: نشر میزان.
- حکیم، محمدسعید (۱۴۱۴ق). *المحكم في أصول الفقه*. قم: موسسه المنار، ج ۲. خامنه‌ای، سید علی (۱۴۲۴ق). *أجوبة الاستفتانات*. قم: دفتر مقام معظم رهبری.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ق). *کتاب البیع*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱، ۳.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۳). *ترجمه تحریر الوسیلة*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲. خیره، علی‌خوجه (۲۰۲۳م). *انعکاسات مبدأ حسن النية على العقد. البحوث القانونية والاقتصادية*، العدد ۲.
- روحانی، سید محمد (۱۴۱۳ق). *القواعد الفقهية (منتقى الأصول)*. قم: چاپخانه امیر، ج ۵.
- ره‌پیک، سیامک (۱۳۸۲). *منع سوء استفاده از حق. مطالعات اسلامی*، شماره ۶۲.
- سراج، محمداحمد (۱۹۹۸م). *نظرية العقد والتعسف الحق من وجهة فقه الاسلامی*. اسکندریه: دارالمطبوعات الجامعية.
- سنهوری، عبدالرازق احمد (۱۳۸۲). *الوسيط في شرح القانون المدني الجديد*. ترجمه محمدحسین دانش‌کیا، و سید مهدی دادرزی. قم: انتشارات دانشگاه قم.
- سنهوری، عبدالرازق احمد (۱۹۹۶م). *نظرية العقد*. بیروت: منشورات الحلبي، ج ۲-۱.
- شعاریان، ابراهیم؛ ترابی، ابراهیم (۱۳۹۳). *حقوق تعهدات*. تهران: شهر دانش، ج ۱.

- شوقی، احمد (۲۰۰۶م). *الدراسات البحثية في نظرية العقد*. الاسكندرية: منشآت المعارف.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۰). *حقوق مدنی (تشکیل قرارداد و تعهدات)*. تهران: مجد.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۸). *اصول قراردادها و تعهدات*. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ پنجم.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*. بیروت: عالم الكتاب، ج ۸، صاحبی، مهدی (۱۳۷۶). *تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی*. تهران: انتشارات ققنوس.
- صفایی، سید حسین (۱۳۸۶). *دوره مقدماتی، حقوق مدنی تعهدات و قراردادها*. تهران: انتشارات میزان، چاپ پنجم.
- صفایی، سید حسین (۱۳۸۷). *حقوق بیع بین‌المللی با مطالعه تطبیقی*. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- صقری، محمد (۱۴۰۱). *حقوق بازرگانی اسناد*. تهران: انتشارات مجد.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰). *النهاية في مجرد الفقه والفتاوى*. بیروت: دارالکتب العربی.
- عامر، حسین (۱۹۴۹م). *القوة المازمة للعقد*. القاهرة: مطبعة مصر.
- عدل، مصطفی (۱۳۷۸). *حقوق مدنی*. تهران: انتشارات طه، چاپ دوم.
- عرفانی، توفیق (۱۳۸۶). *تفسیر قرارداد. کانون، شماره ۷۱*.
- عزیز سلیمان، شیرزاد؛ عثمان علی، یونس (۲۰۲۱م). *حسن النية في تنفيذ العقد دراسة مقارنة. العلمية لجامعة جيهان سليمانية، العدد ۱*.
- عوجی، مصطفی (۲۰۰۷م). *القانون المدني - العقد*. بیروت: منشورات الحلبي الحقوقية، ج ۱.
- قاسمی حامد، عباس (۱۳۷۵). *مروری اجمالی بر نظریه تعهد به دادن اطلاعات در قرارداد از دیدگاه حقوق فرانسه. کانون وکلا، شماره ۱۶۴-۱۶۵*.
- قشقای، حسین (۱۳۷۸). *شیوه تفسیر قرارداد خصوصی در حقوق ایران و نظام‌های حقوقی معاصر*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). *تفسیر قرارداد. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۰*.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). *قواعد عمومی قراردادها*. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم، ج ۱.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). *کلیات حقوق*. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
- کاوای، کوروش (۱۳۹۸). *حقوق اسناد تجاری*. تهران: انتشارات میزان، چاپ دهم.
- کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۵۹). *تحریر المجلة*. نجف: المكتبة المرتضوية، ج ۱.
- محسنی، حسن (۱۳۸۵). *اصل حسن نیت در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی*. پژوهشنامه حقوق تطبیقی، شماره ۱.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*. قم: موسسه اسماعیلیان، ج ۲.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق). *قواعد فقه*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، ج ۲.
- محمود سعد، احمد (۱۹۹۰م). *مصادر الالتزام فی القانونین المصری والیمنی*. القاهرة: دارالنهضة العربية.
- مراغی، میرزا عبدالفتاح (۱۴۱۷ق). *العناوین الفقهية*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ج ۲.
- مصطفی، حامد (۱۹۴۳م). *تفسیر العقد فی الشريعة الاسلامية*. مجلة القضاء، شماره ۴۶.
- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۳۸۶). *نقش حسن نیت در عقود قراردادها در فقه و حقوق*. حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲.

- موسوی، سید فضل‌الله؛ موسوی، سید مهدی؛ وکیلی مقدم، محمدحسین؛ غلامی، مهدی (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی اصول تفسیر قرارداد. پژوهش حقوق خصوصی، (۱)۱.
- یزدانیان، علی؛ آرابی، حمید (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی تفسیر موسع و مضیق از قاعده تفسیر قرارداد به زیان تنظیم‌کننده در قراردادهای بیمه. پژوهش‌های حقوقی، ۱۵(۲۹).
- یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۱۵ق). سؤال و جواب (للسید الیزدی). تهران: مرکز نشر العلوم الإسلامی.
- Posner, R. (2004). The Law and economics of contract interpretation. *Chicago Law School Review*, Vol. 229.
- Treitel, G.H. (1999). *The Law of Contract*. 10th rd. London, Sweet: Maxwell Pub.